

صفات خدا

درس ۱۰: راستی خدا

دکتر استیون جی. لاوسون

در این جلسه ما به «راستی خدا» می‌پردازیم. راستی خدا یعنی او خدای حقیقت هست و فقط حقیقت رو می‌گه. خدا بانی حقیقت هست. او منبع حقیقت. او تعیین‌کننده‌ی حقیقت. او داور حقیقت. او قاضی نهاییِ جمیع راستیه. او معیار نهاییِ جمیع راستیه.

ما می‌خوایم توجهمون رو به راستی خدا معطوف کنیم. راستی چیه؟ پیلطس گفت که، راستی چیه؟ در یک کلمه می‌توان گفت که راستی همون حقیقت. یعنی همونطور که همه‌ی چیزها در حقیقت هستند. راستی همون راستگویی هست. راستی همون واقعیت. یعنی همونطور که همه‌ی چیزها در واقعیت هستند. راستی اونطور که چیزها ممکنه به نظر ما راست باشند نیست. راستی اون چیزی نیست که ما می‌خواهیم باشه.

راستی اون چیزی نیست که اکثریت در مورد یک چیز میگن. راستی چیزی نیست که بعضی از نظرسنجی‌ها در مورد حقیقت تعیین می‌کنند، نه؛ راستی چیزیه که مطابق با خود خداست. خدا راستی‌ست. راستی چیزیه که مطابق با فکر خداست. هر چیزیه که مطابق با اراده‌ی خدا، جلال خدا، و وجود خداست، و هر چیزی که با قدوسیت خدا و کمال خدا در یک راستا قرار نمی‌گیره، راست نیست. خدا معیار و منبع جمیع راستی هست.

حالا در حالیکه به این صفت خیلی مهم خدا توجه می‌کنیم، چند ویژگی هست که می‌خوام در مقابل شما قرار بدم. من نه ویژگیِ راستی رو انتخاب کردم که می‌خوام روی اونها تمرکز کنیم.

شماره‌ی یک: راستی، الهی است. من در این مقدمه به اون اشاره کردم، اما راستی، راستی خداست. به عبارت دیگه، منشأ راستی در این دنیا نیست. راستی از انسان نشأت نمی‌گیره. راستی باید از بالا بیاد. راستی باید توسط مکاشفه‌ی الهی به ما داده بشه. خدا راستی هست. خدای پدر، خدای پسر، خدای روح القدس. ما می‌دونیم که خدای پدر، راستی هست و ما در مزمور ۳۱: ۵ می‌خونیم: «ای بیهوه، خدای حق، تو مرا فدیہ دادی.» در اشعیا ۶۵: ۱۶، او به عنوان خدای راستی شناخته شده. عیسیای مسیح هم به عنوان راستی شناخته شده، اینطور نیست؟ یکی از آیات مورد علاقه‌ی ما در تمامی کتاب مقدس، یوحنا ۱۴: ۶ هست: «من راه و راستی... هستم» نه هر راستی؛ بلکه تنها راستی – حرف تعریف در انگلیسی، بسیار مهمه. هیچ راستی‌ای خارج از خداوند عیسیای مسیح نیست.

او حق مالکیت انحصاریِ راستی رو در اختیار داره. او خودِ راستی هست. او نه فقط در راستی صحبت میکنه، بلکه او خودِ راستی هست. افسسیان ۴: ۲۱ یک آیه‌ی پر جلاله. میگه: «هر گاه او [اشاره به مسیح] را شنیده‌اید و در او تعلیم یافته‌اید، به نهجی که راستی در عیسی است.» راستی، تماماً در عیسی هست. هیچ راستیِ رهایی‌بخشی خارج از خداوند عیسی مسیح نیست.

مذاهب دیگه حقیقت رو نمی‌گند. رهبران فرضی مذاهب دیگه، حقیقت رو نمی‌گند. فقط عیسی حقیقت رو میگه. او خودِ راستی هست. و روح‌القدس به عنوان روحِ راستی شناخته شده. یوحنا ۱۴: ۱۷ «روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند.»

یوحنا ۱۵: ۲۶ «لیکن چون تسلی‌دهنده [ما می‌دونیم که اون کیه – اون روح‌القدسه] که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، [شفیع، میانجی] یعنی روحِ راستی.» در یوحنا ۱۶: ۱۳ دوباره برای سومین بار در سخنرانی اتاق بالای خانه این رو می‌شنویم. «و لیکن چون او یعنی روحِ راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد.» چه کس دیگه‌ای غیر از روحِ راستی میتونه ما رو به جمیع راستی هدایت کنه؟

همه‌ی ما نیاز داریم که روح‌القدس، معلم ما باشه، اینطور نیست؟ خدا معلمانِ بشری رو منصوب کرده، ولی فقط یک معلم اصلی وجود داره و اون خودِ خداست که باید ما رو به راستی هدایت کنه.

حالا دومی. نه تنها حقیقت، الهی هست؛ بلکه حقیقت، مطلق است. باید گفت که، حقیقت ادعاهای منحصر بفردی میکنه. نه اینکه همه چیز رو در بر بگیره – بلکه گفته‌هاش منحصر بفرده. حقیقت، معیاری یگانه و نهایی برای درستی هست. هر وقت کتاب‌مقدس درباره‌ی حقیقت صحبت میکنه، هرگز در انگلیسی یک حرف تعریف نکره در کنارش نیست که بگه یک حقیقت، بلکه همیشه یک حرف تعریف معرفه هست، یعنی تنها حقیقت. مثلاً خودِ کتاب‌مقدس در دوم تیموتائوس ۲: ۱۵ به عنوان کلامِ راستی شناخته شده.

هر انحرافی از کلام خدا به معنای دنبال کردن چیزیه که راست نیست، دنبال کردن چیزی که خطاست، دنبال کردن چیزی که یک دروغه، دنبال کردن چیزی که کاذبه.

شیطان به عنوان نقطه‌ی مقابل حقیقت، شناخته شده. عیسی در یوحنا ۸: ۴۴ گفت: «شما از پدر خود ابلیس می‌باشید و خواهش‌های پدر خود را می‌خواهید به عمل آرید. او از اول قاتل بود و در راستی ثابت نمی‌باشد.» عیسی مذهبی‌ترین افراد روی کره‌ی زمین و افرادی که به ظاهر

روحانی بودند، یعنی فریسیان رو خطاب قرار داد، و گفت شما از پدر خود ابلیس می‌باشید، شما در راستی ثابت نیستید.

پولس در رومیان ۳: ۴ نوشت: «بلکه خدا راستگو باشد و هر انسان دروغگو.» حقیقت، مطلقه، تغییر ناپذیره. هم درست و هم غلط وجود داره، و بین اونها خطی خیلی نازک ولی آشکار وجود داره. این خط، تفاوت واضحی رو بین یک چیز و چیز دیگه ایجاد میکنه. حقیقت متمایزکننده هست. حقیقت کاملاً مغایر با حکمت این دنیا و تعالیم بشری هست.

سوم، حقیقت، بی‌طرفانه است. وقتی می‌گیم بی‌طرفانه، یعنی به صورت گزاره هست. حقیقت با کلمات تعریف شده‌ی واضحی که معنی دقیقی دارند، آشکار شده. حقیقت در تعالیم خاص، و آموزه‌های خاص آشکار شده. و همونطور که قبلاً اشاره کردیم، کلام خدا تا کوچکترین نقطه و کوچکترین همزه، راسته؛ تا ریزترین قسمت‌هایش، راسته. کل کتاب مقدس خطاناپذیره و مصون از خطاست. دارای یک الهام کامل شفاهی هست. عیسی در متی ۵: ۱۸ گفت: «زیرا هر آینه به شما می‌گویم.» و می‌دونید هر وقت عیسی میگه «زیرا هر آینه به شما می‌گویم»، مثل آینه که یک قلم‌هایلایت زرد رو برداره و زیرش رو خط بکشه، یعنی چیزی که می‌خوام به شما بگم، از اهمیت خیلی زیادی برخورداره.

حالا، همه‌ی چیزهایی که عیسی گفت، راست بود. اما بعضی چیزها در مقایسه با چیزهای دیگه، از اهمیت بیشتری برخورداره. و عیسی با گفتن این عبارات در در ابتدای اطلاعات مهم خودش، توجه ما رو جلب میکنه: «هر آینه به شما می‌گویم.» حقیقتاً، به راستی. حالا بقیه‌ی آیه چی میگه؟ «زیرا هر آینه به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود.» این به وضوح درباره‌ی حقیقت بی‌طرفانه تا کوچکترین جزئیاتش صحبت میکنه، همونطور که در کلام مکتوب خدای زنده ثبت شده، این حقیقت خالص و دست نخورده هست.

حقیقت کاملاً عقلانی‌ست، و یک چیز ذهنی نیست. وابسته به احساسات ما نیست. حقیقت‌مداره. راسته، خواه درباره‌ی مسئله‌ی نجات صحبت کنه، خواه درباره‌ی مسائل علمی صحبت کنه، خواه درباره‌ی مسائل تاریخی صحبت کنه. فارغ از اینکه کتاب مقدس به چی اشاره کنه، با حقیقت محض سخن میگه.

حالا چهارم، حقیقت، واحد است. وقتی ما می‌گیم حقیقت واحده، منظورمون آینه که به صورت کالبدی واحد از حقیقت هست. هرگز با خودش در تضاد نیست. هرگز با خودش رقابت نمیکنه.

یک بیانیه، هرگز بیانیه‌ی دیگر رو باطل نمیکند. همه‌ی اینها در هم تنیده شده تا یک بافت کاملی از حقیقت رو تشکیل بده. هر سنگی در کنار هم قرار گرفته تا یک معبد حقیقت رو شکل بده که به طور کامل در کنار هم قرار می‌گیرند. حقیقت، کالبد واحدی از الوهیت هست.

حقیقت، نظام واحد الاهیاتی هست. همه‌ی اینها در کنار هم قرار می‌گیرند تا شبکه‌ای واحد از حقیقت رو تشکیل بدهند.

جیمز مونت‌گومری بویس، کشیش و واعظ بزرگ قدیمی می‌نویسه:

«حقیقت واحد است. تکه تکه نیست که لازم باشد درباره‌ی حقایق [به صورت جمع] به صورت وقایع یا عناصر نامربوط صحبت کنیم.»

بویس می‌گه: «حقیقت در کنار هم قرار می‌گیرد. بنابراین هیچ بخشی از حقیقت نیست که با بخش‌های دیگر حقیقت در ارتباط نباشد.»

بعد بویس می‌نویسه: «همه‌ی چیزهای حقیقی، بخشی از حقیقتند و از ارتباط صحیح و گریزناپذیر با خدا برخوردارند، خدایی که خودش حقیقت است.»

به همین دلیل وقتی ما کتاب مقدس مون رو در پیدایش باز می‌کنیم و در مکاشفه خاتمه میدیم، همه‌ی اینها به صورت یکپارچه کنار هم قرار می‌گیرند. این کلام حقیقت واحد رو تشکیل میده. یهودا ۳ می‌گه: «مجاهده کنید برای آن ایمان.» حرف تعریف معرفی آن ایمان، به ایمان راستین مسیحی اشاره میکنه.

«مجاهده کنید برای آن ایمانی که یک بار به مقدسین سپرده شد.» فقط یک کالبد واحد حقیقت وجود داره. این با خود خدا مرتبطه، او دو پهلو صحبت نمیکند. او به یک گروه یک چیز و به گروه دیگر چیز دیگر ای نمیکند. او یک راه نجات برای یهودیان، یک راه متفاوت نجات برای غیریهودیان نداره. نه! این یک حقیقت یکسان برای همه‌ی مردان، همه‌ی زنان روی کره‌ی زمین هست.

به همین دلیل وقتی سفر می‌کنم و این فرصت رو دارم که کلام خدا رو موعظه کنم، چیزی که در یک شهر موعظه می‌کنم، همون چیزیه که در شهر دیگر موعظه می‌کنم. چیزی که در یک قاره موعظه می‌کنم، همون چیزیه که در قاره‌ی دیگر موعظه می‌کنم. این کتاب یک حقیقت واحده که هر مرد، هر زنی بر روی سیاره‌ی زمین باید اون رو بشنوه. چون خود خدا حقیقت و حقیقت دیگری نیست.

حالا، شمارهی پنج، حقیقت تغییرناپذیر است. ما قبلاً دربارهی این صحبت کردیم، پس نیازی نیست که زمان زیادی رو بر اش صرف کنیم، اما یادتون باشه که همهی اینها در هم تنیده شده و به هم مرتبط هستند. حقیقت خدا تغییرناپذیره. این عوض‌شدنی نیست. خدا عوض نمیشه. حقیقت او عوض نمیشه. کلام او عوض نمیشه. «ای خداوند کلام تو تا ابدالآباد در آسمان‌ها پایدار است. گیاه خشک شد و گل پژمرده گردید، لیکن کلام خدای ما تا ابدالآباد استوار خواهد ماند. لیکن آسان‌تر است که آسمان و زمین زایل شود، از آنکه یک نقطه از تورات ساقط گردد.»

این مزمور ۱۱۹: ۸۹، اشعیا ۴۰: ۸، لوقا ۱۶: ۱۷ بود. هیچ حقیقتی از کتاب مقدس هرگز باطل نمیشه، هیچ حقیقتی از کتاب مقدس هرگز لغو نمیشه، حقیقت همیشه حقیقته.

حالا، اجازه بدید که من اینجا یک نکته‌ی کاربردی رو بیان کنم. بعضی از کلیساها میخوان امروزی باشند. عالیه! حقیقت رو موعظه کنید. امروزی بودن ارتباطی با سبک موسیقی نداره، بلکه کاملاً مربوط به محتوای پیغامه. چیزی به روزتر از کتاب مقدس نیست. چیزی امروزی‌تر و معاصرتر از حقیقت کلام خدا نیست. امروزی‌ترین کلیسا، کلیسایی هست که کتاب مقدس رو تعلیم میده، کتاب مقدس رو موعظه میکنه. کلام خدا به روزتر از روزنامه‌ی فرداست. این کلام صحبت میکنه، کلام خدا زنده و فعال هست، و برنده‌تر از هر شمشیر دو دم. کلام خدا تغییرناپذیره.

این هیچ ارتباطی با فرهنگ اطرافمون نداره. بلکه کاملاً مربوط به حقیقت کلام خداست.

حالا شمارهی شش. ما دربارهی عناصر حقیقت خدا صحبت می‌کنیم. «شخصیت او، حقیقت او، جهان‌شمول هست.» کل حقیقت، جهان‌شمول هست. و ما تا حدودی در این مورد صحبت کردیم، اما حقیقت برای همه در هر جا صادق هست. حقیقت در همه جا در هر فرهنگی، در هر شرایطی بدون استثناء صادق هست. حقیقت از جوامع پیشی میگیره. از فرهنگ‌ها پیشی میگیره.

از نسل‌ها پیشی میگیره. از جنسیت پیشی میگیره. از گروه‌های سنی پیشی میگیره. در نتیجه، نحوه‌ی نگاه به دنیا، در یک بخش از کشور متفاوت از بخش دیگر کشور نیست.

من مرتباً به کالیفرنیا میرم. اونجا موعظه می‌کنم. چیزهای جالب خیلی زیادی در کالیفرنیا اتفاق میفته و مردم جالب زیادی اونجا هستند؛ اما من قوی‌ترین مسیحیان آمریکا رو هم در کالیفرنیا دیدم. شما در کالیفرنیا باید بر پایه‌ی یک چیزی بایستید. یعنی یا خداوند رو دوست دارید، و یا غیرعادی هستید. یعنی یکی از این دو تا هست. تعداد کمی بین این دو حالت قرار می‌گیرند.

و اینجا در جنوب، می‌دونید گاهی اوقات همه نجات‌یافته فرض می‌شوند. بابای من شماس کلیسا بود. بابا بزرگم هم اینطور بود و همینطور ادامه داره. گوش کنید، مهم نیست که ما در کدوم ساحل می‌ایستیم، یا در کدوم قسمت از کشور هستیم، فقط یک کتاب حقیقت وجود داره، و اون هم کلام خداست و با لکنت زبان یا من من کنان صحبت نمیکنه. بلکه رُک و صریح صحبت میکنه، این کلام، جهان‌شموله.

مهم نیست که مردم در کجای دنیا هستند، اونها نیاز دارند که حقیقت رو بشنوند. این حقیقت، جهان‌شموله. به همین دلیل حتی در این کنفرانس کشوری لیگونیر که قراره داشته باشیم، افرادی رو داریم که از برزیل و اروپا و سراسر دنیا می‌آیند که در کنار ما بشینند. این حقیقت برای همه‌ی ما یکسان خواهد بود.

حالا شماره‌ی هفت. حقیقت، روشن‌کننده است. وقتی می‌گیم حقیقت روشن‌کننده هست، منظورمون اینه که نور می‌تابونه و به ما توانایی میده که دنیا رو به درستی ببینیم. مزمور ۱۱۹: ۱۰۵ میگه: «کلام تو برای پای‌های من چراغ و برای راه‌های من نور است.» دنیایی که ما در اون زندگی می‌کنیم، دنیای خیلی تاریکيه، اینطور نیست؟ و برای هر یک از ما چالش‌برانگیزه که بتونیم معنا و مفهومی برای این دنیا پیدا کنیم.

فقط یک راه برای ما وجود داره که دنیای تجارت و دنیای سیاست و دنیای سرگرمی و همه‌ی جوانب فرهنگ و جامعه رو درک کنیم، و اون هم اینه که مشعل شعله‌ور کلام خدا رو داشته باشیم که ذهنمون رو منور میکنه، و ذهن مسیح رو به ما میده. به ما اجازه میده که دنیای اطرافمون و زندگی اطرافمون رو ببینیم و برآورده کنیم که در دنیا چی میگذره.

به راستی که حقیقت خیلی روشن‌کننده هست. شما می‌تونید یک فرزند خدا رو در یک زیر زمین با چراغ‌های خاموش بذارید، اما او یک کتاب مقدس و یک چراغ قوه‌ی کوچیک داشته باشه. او میتونه حقیقت رو بخونه و بیشتر از همه‌ی گوینده‌های خبری تلویزیون و همه‌ی رهبران رده بالای حکومتی این دنیا بفهمه که در دنیا چی میگذره و واقعیت دنیا چیه. بدونید کسی که کلام خدا رو داره، روشن‌کننده‌ترین بصیرت رو درباره‌ی واقعیت اطراف داره و بدون کلام خدا، شخص در تاریکی رها شده.

و یک کیفیت هشتمی هست که می‌خوام شما اون رو ببینید و اون هم اینه که کلام خدا قابل اعتماد است. یعنی قابل اطمینانه. کاملاً میشه به اون تکیه کرد. کلام خدا حتمی و پایداره. شکست‌ناپذیره. سزاوار اعتماد و تعهد ماست. هرگز متزلزل نشده. هرگز شکست نخورده.

هیچکس هرگز با ایمان به حقیقت گمراه نشده. حقیقت هرگز نشانه‌های مشکل مرد یا زندگی زن رو اشتباه تشخیص نداده.

حقیقت همیشه همون چیزی رو که هست می‌گه. هرگز ارزیابی نادرستی از مسائل ارائه نکرده. حقیقت هرگز مشورت اشتباه نداده و راه حل اشتباه نداده، درمان اشتباهی نکرده یا درمان اشتباهی رو ارائه نکرده.

جان مک‌آرتور می‌نویسه: «کتاب مقدس شامل هیچ تضاد، خطا و قواعد معیوب نیست. کتاب مقدس مملو از بیهودگی و تضادها و خیالات واهی نیست. کاملاً با خودش سازگار و کاملاً با جمیع راستی سازگار. حقایقی که در کتاب مقدس بیان شده، قابل اطمینانه. وقایع تاریخی توصیف شده در کتاب مقدس، تاریخ حقیقی هستند و اسطوره‌ای یا خیالبافی یا تمثیل نیستند.

آموزه‌هایی که در کتاب مقدس تعلیم داده شدند، بدون خطا هستند. جزئیات کتاب مقدس، از روز اول خلقت تا پایان بازگشت نهایی مسیح، جزئیاتی دقیق هستند.» مک‌آرتور می‌نویسه کتاب مقدس خودش کاملاً عاری از خطاها و نقص‌هاست. «می‌دونید چرا؟ انسان و کلامش رو همیشه از هم جدا کرد، خدا و کلامش رو هم همیشه از هم جدا کرد. و چون خدا قدوسه، خدا فقط میتونه حقیقت رو بگه. او خدای جمیع راستی هست. باید به او ایمان داشت.

یک عنصر نهایی در حقیقت هست که می‌خوام اون رو بدونید، و اون هم اینه که حقیقت، مقتدر است. قدرت داره تا فرامین جسورانه رو بر زندگی‌مون اعلام کنه. حقیقت صرفاً جالب نیست. هرگز یک پیشنهاد محض نیست. هرگز چیزی نیست که ما فقط به اون فکر کنیم یا در نظر بگیریم؛ و فقط یک گزینه در بین نظریات بسیار نیست که باید به اونها توجه کنیم. نه، حقیقت، حاکمه. حقیقت، حق فرمانروایی بر زندگی ما رو داره. حقیقت، مطالبه‌گر هست. حقیقت، رای صادر میکنه. حقیقت، خواهان پاسخ ماست. ما نمی‌تونیم صرفاً حقیقت رو بدونیم و شنونده‌ی حقیقت باشیم، بدون اینکه انجام‌دهنده‌ی حقیقت باشیم.

ما باید حقیقت رو با اطاعت و ایمان به زندگی‌مون پیوند بدیم. هیچکس بدون حقیقت نمیتونه نجات پیدا کنه. هیچکس بدون حقیقت نمیتونه تقدیس بشه. شما نمیتونید بدون حقیقت به هدف برسید. حقیقت، کاملاً ضروریه. ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام مسیح و مسیح معلم حقیقت.

چقدر از خدا متشکریم که مسائل رو همونطوری که هست به ما می‌گه. چقدر از خدا متشکریم که وقتی با ما صحبت میکنه، حرف‌هاش صداقت محضه. او حقیقت رو به ما می‌گه، و واقعیت

چگونگی مسائل و طریقی که باید زندگی کنیم و طریقی که باید به او ایمان داشته باشیم رو به ما میگه.